

تحقیق کیفی

نویسنده: لورانس و نومن

مترجم: سوسن سرخوش^۱

چکیده:

روش های تحقیق کیفی در ایران آنچنان شناخته شده نیستند. خیلی از محققین علوم اجتماعی در ایران بر این باورند که تحقیق پیمایشی تنها روش عینی و قابل قبول مجامع علمی است و توجه به این امر ندارند که پیمایش تنها برای مطالعه برخی از پدیده های اجتماعی مناسب است و اینکه این روش با استفاده از پرسشنامه های بسته و استاندارد در بررسی پدیده های ذهنی همچون "نگرش" از نظریه محرک - پاسخ رفتار گرائی پیروی می کند و اینکه پیمایش روشی عام جهت بررسی و آزمون نظریه های دیگر حتی آن پدیده هایی که دورکهام "امور اجتماعی" می نامد، نیست. در صورتی که روشهای دیگر مانند تحقیقات تاریخی، میدانی و غیره از دیر باز شناخته شده اند و اعتبار جهانی آن در دو دهه گذشته افزایش یافته است.

نومن در تحقیق زیر کوشیده است دانشجویان علوم اجتماعی را با مهمترین جنبه های تحقیق کیفی آشنا سازد و در عین حال تفاوت آنرا با تحقیق کمی روشن کند. اولین

وجه تمایز تحقیقات کیفی جهت یابی است، محقق کیفی از دیدگاهی دیگر (دیدگاه تفسیری و انتقادی) در جستجوی داده های نوع دیگری است. شاید بتوان گفت که مهمترین وجه تمایز تحقیق کیفی هدف آن است. هدف تحقیق کیفی آزمون فرضیه های موجود نیست، بلکه یافتن فرضیه جدید، کشف روابط ناشناخته، توصیف جنبه های کشف نشده یک پدیده است و به این دلیل از منطق دیگری پیروی می کند و مجبور است مسیر جستجوی خود را در پروژه تحقیق خود بیابد. در واقع تحقیق کیفی شیوه جستجوی همه کسانی است که شهادت آن را دارند. کام به اعرصه های ناشناخته بگذارند. برای آیندگان مسیرهای جدید اندیشیدن و دیدن ایجاد کنند.

چنانچه نویسنده مطرح می کند، چنین تحقیقاتی مشخصات خاصی نیز خواهد داشت. معمولاً برای درک پویایی درونی پدیده ها، موارد کمی از جوانب مختلف و در درون زمینه های اجتماعی وسیعتر و در بستر زمان بررسی می شوند. گسترش مفاهیم موجود، تکوین مفاهیم جدید، کشف ارتباط بین مفاهیم - یا به زبانی مدرن تر ایجاد سازه های ادراکی همچون "امر اجتماعی"، "روح سرمایه داری"، "از خود بیگانگی" - کانون فعالیت چنین پژوهشی است. نومن "نظریه پایه" را به منزله یکی از

^۱ عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن

فنون رایج در این امر معرفی می کند ولی یادآور می شود که این تنها یکی از فنون شناخته شده است و در ضمن به فنون دیگر نیز اشاره می کند .

نویسنده تحت عنوان " صداقت محقق " مسئله اعتبار و عینیت را در تحقیقات کیفی مطرح می کند . روش ها و فنون تحقیقات کمی در واقع کوشش هائی در جهت حذف ذهنیت محقق و کژی های حاصل از تاثیر گذاری محقق بر داده ها می باشند . روش شناسان کیفی مطرح می سازند که خود فنون کمی می توانند منشاء کژی هائی باشند ، چون این تصور را القاء می کنند که می توان عامل شناسائی را از فرآیند تحقیق حذف کرد و به داده های خالص دست یافت . از دیدگاه رویکردهای نظری تفسیری و انتقادی عامل ذهنی شناخت هیچگاه قابل حذف نیست و تنها می توان از طریق تامل و نقد مستمر آنرا تا حدی خنثی ساخت .

نویسنده در پایان متن " بررسی نخبگان " را به منزله یکی از عرصه های کاربرد روش های کیفی معرفی می کند . تحقیقات میدانی و تاریخی انواعی از تحقیقات کیفی است که در فصلهای دیگر کتاب به تفصیل معرفی شده اند .

به رغم این امر که تحقیقات کیفی و کمی بر زمینه های نظری متفاوتی بنا گشته اند ، امروز اکثر پژوهشگران آن ها را مکمل هم می دانند ، هر تحقیق کمی جدی مفاهیم خود را از طریق تحقیقات کیفی آماده می سازد و متکی بر دستاوردهای آن می باشد و دستاوردهای تحقیقات کیفی نیاز به آزمون تعمیم پذیری خود در تحقیقات کمی دارند . تنها می توان یادآور شد که " هر روشی نوعی ایجاد سازه است که حقانیت و نیز کژی های خود را دارد " .

مقدمه

دلیل دیگر تفاوت میان سبک های کمی و کیفی تحقیق

در جهت گیری کیفی نهفته است . این جهت گیری تصوراتی از زندگی اجتماعی از موضوع های تحقیق ، و شیوه های پردازش داده ها اتخاذ می کند که معمولاً با رویکرد کمی هم خوانی ندارد . چنین تفاوت هایی می توانند باعث سردرگمی دانشجویان ، محققان و خوانندگان گزارشهای تحقیق کیفی شوند ، کسانی که با معیارهای کمی درباره تحقیق کیفی به داوری می پردازند ، اغلب ناخرسند می شوند . با وجود این اکثر مردم از خواند گزارشهای تحقیق کیفی لذت می برند ، این گزارشها حاوی توصیف های غنی ، جزئیات متنوع و و ویژگیهای غیر معمول به جای اطلاعات آماری در لحنی رسمی و خشک می باشند . این گزارشها به خواننده درکی عمیق از ویژگی

روش های کیفی و کمی تحقیق از بعضی جهات با یکدیگر متفاوتند . ولی از بعضی جهات هم مکمل یکدیگرند . ماهیت خود داده ها و آنچه محققان به عنوان داده ارائه می دهند ، منشاء تفاوت این دو روش است . کلیه محققین علوم اجتماعی بطور نظام مند به جمع آوری و تجلیل شواهد تجربی می پردازند تا زندگی اجتماعی را درک و تبیین کنند . وقتی داده ها به جای اینکه بصورت اعداد بصورت واژه ، جمله و بند باشند محققان از استراتژی های تحقیق و فنون جمع آوری دیگری استفاده می کنند . محققان کیفی بندرت از ابزارهای تحقیق کمی مطرح شده در فصول قبلی مانند متغیرها آمار ، فرضیه ها ، مقیاس ها و طیف ها استفاده می کنند .

کمی دارد و ویژگیهای طرح تحقیق کیفی را بررسی خواهیم کرد. البته بسیاری از محققان عناصر برگرفته از روشهای کیفی و کمی را در پروژه های تحقیق ترکیب می کنند.

جهت یابی کیفی

در این بخش، با آن جنبه هایی از جهت یابی تحقیق کیفی آشنا خواهیم شد که آن را از تحقیق کمی متمایز می سازند، یعنی شیوه دسترسی به داده ها، تکیه بر دیدگاه غیر اثباتی به علم، استفاده بیشتر از منطق علمی یا جاری و پیروی بیشتر از مسیر دورانی تحقیق.

تفاوت بین تحقیق کیفی و کمی

تحقیق کمی:

- آزمون فرضیه ها
- مفاهیم در شکل متغیرهای کاملاً از هم جدا قابل تحویل بیان می گردند.
- مقیاس ها قبل از جمع آوری اطلاعات ساخته و استاندارد بیزه می شوند.
- داده ها به شکل اعداد با مقیاس هایی دقیق جمع آوری می شوند.
- نظریه علی و قیاسی می باشد.
- روند تحقیق استاندارد بیزه و قابل تکرار می باشد.
- تحلیل با استفاده از آمار، جداول، نمودارها انجام می گیرد و رابطه آنها با فرضیه ها به بحث گذاشته می شود.

تحقیق کیفی:

مردم و رویدادهای خاص در موقعیت های اجتماعی واقعی می دهند.

برخی به طور اشتباه فکر می کنند که اجزاء تحقیق کیفی آسانتر از اجزاء تحقیق کمی است. این افراد بر این باورند که محقق کیفی تنها با چشم و گوش باز وارد حوزه ای خیره کننده از زندگی اجتماعی می شود و گزارشی جذاب و خردمندانه تهیه می کند. اگر چه محققان کیفی نیازی به دانش آماری ندارند و به ندرت تحقیق خود را با نظریه ای صوری آغاز می کنند، این تصور که تحقیق کیفی آسان است، اسطوره ای بیش نیست. ملاک های سخت و آسان یا خوب و بد هیچ کمکی به درک تفاوت های موجود میان تحقیق کیفی و کمی نمی کنند. شهرت مطالعات کیفی کلاسیک بیشتر مدیون تعهد علمی، کار سخت، حساسیت و مهارت در نگارش تک تک محققانی است که این آثار را آفریده اند و نه ماهیت ذاتی خود این رویکرد تحقیق.

تحقیق کیفی شامل فنون متعددی می شود (فنون

مانند: نظریه پایه، قوم نگاری، تحلیل زندگی نامه و تحلیل گفتگو). هر موضوعی فنون خاص خود را می طلبد. قابل توجه است که محققان زن بیشتر از محققان مرد از روش های تحقیق کیفی استفاده می کنند. در این فصل قصد نداریم به جانب داری و توضیح قواعد خاص تحقیق کیفی و انواع تحقیق کیفی بپردازیم (برای آشنای دقیقتر با این فنون به فصلهای بعد رجوع کنید)، بلکه تنها نگاهی به عناصری که در سبک تحقیق کیفی دخالت دارند خواهیم انداخت، تا ببینیم تحقیق کیفی چه تفاوت هایی با تحقیق

دسترسی و اشراف به فرهنگ های مختلف یا خرده فرهنگ ها ، مسئله نسبی بودن روایت کنشگران از کنشها (Halfpenny 1979.803) . در سبک کیفی تحقیق، محقق داده ها را تجزیه و تحلیل می کند . جهت یابی کلی محقق کیفی در محور نظریه پردازی ، جمع آوری و تحلیل داده های کیفی سازمان یافته است . محققان کیفی معمولاً دلگرانی های دیگری در رابطه با داده ها دارند . بطور مثال : بیشتر به ایجاد مفاهیم جدید تا آزمون مفاهیم موجود علاقه دارند .

برخی معتقدند که داده های کیفینرم (soft) ناملموس و غیر مادی هستند و چنین داده هایی آنچنان مبهم و گریزپا هستند که محققان نمی توانند آنها را واقعا در اختیار بگیرند . البته این امر چندان اهمیتی ندارد . مهم این است که داده های کیفی داده هایی تجربی هستند . یعنی این داده ها رخدادهای واقعی و گفته های افراد را مستند و ثبت می کنند مثلاً با واژه ها ، اشارات و کلام رفتارهای خاص را توصیف می کنند ، به کاوش در اسناد و مدارک مکتوب می پردازند . یا تصاویر را تحلیل می کنند . همه اینها جنبه های ملموس جهان هستند . بطور مثال : برخی محققان کیفی تصاویر یا نوارهای ویدئویی مردم یا رخدادهای اجتماعی را بررسی و دقیقاً تجزیه و تحلیل می کنند . (Ball and Smith 1992, Harper) . این شواهد در واقع به همان اندازه شواهدی که محققین کمی برای سنجش نگرش ، فشار اجتماعی و هوش و غیره به کار می برند . سخت و فیزیکی / جسمانی می باشند .

- ضبط و کشف معنا
- مفاهیم در شکل کلام ، موضوع ، تعمیم قواعد بیان می گردند .
- مقیاس ها در عین تحقیق به شیوه ای ابتکاری ساخته می شوند .
- داده ها در شکل کلامی از اسناد مشاهدات بازنویسی مصاحبات جمع آوری می شوند .
- نظریه می تواند علی و غیر علی باشد و اغلب استقرائی است .
- روند تحقیق خاص موضوع است و تکرار به ندرت انجام می گیرد .
- تحلیل از طریق استخراج موضوع ، تعمیم بر پایه شواهد سازماندهی داده ها در جهت ارائه تصویری مستحکم و منسجم انجام می گیرد .

دستیابی به داده ها

سبک تحقیق کیفی تنها در توجه به داده های کیفی خلاصه نمی شود . اثبات گرایان اغلب درصدد تبدیل داده ها به ارقام و تحلیل آنها با فنون کمی می باشند . داده های کیفی برای اثباتگرایان عباراتی ذهنی یا شرایطی هستند که باعث بروز رفتار قابل سنجش می گردند مسئله اصلی اثبات گرایی این است که چگونه می توان این گونه داده را با مقیاس های کمی دقیق و پایا سنجید . در مقابل این گونه داده ها برای محققان کیفی تنها داده هائی ناقص نیستند که باید استحاله شوند بلکه ذاتاً معنا دار می باشند و تبدیل داده های کیفی به ارقام پایا و عینی مسئله اصلی آنان نیست . مسائل آنان چیز دیگری است ، مانند امکان

دیدگاه غیر اثباتی

تحقیقات اجتماعی کیفی به طور گسترده ای از دیدگاه رویکردهای تفسیری و انتقادی به علوم اجتماعی می نگرند . هر چند این دو رویکرد تفاوت های مهمی با یکدیگر دارند . هر دو گزینه متفاوتی در برابر اثبات گرایی که اساس تحقیق کمی است می باشند . تحقیق کمی با بیشتر تصورات و اهداف اصلی علوم اجتماعی تفسیری در تضاد است .. بر خلاف محققان تفسیری . محققان انتقادی از فنون کمی نیز استفاده می کنند . معهذا . حتی هنگامی که محققان انتقادی از فنون کمی استفاده می کنند . به شیوه اثباتی محض این کار را انجام نمی دهند . این محققان نظریه را به شیوه دیگری به کار می برند . برای زمینه تاریخی اهمیت زیادی قائلند . از اوضاع اجتماعی انتقاد و ساختارهای عمیق روابط اجتماعی را آشکار می کنند .

میان فنون تحقیق و رویکردهای نظری علوم اجتماعی ارتباط یک به یک وجود ندارد . با این وجود . تحقیق تاریخی - تطبیقی با رویکرد انتقادی تناسب بیشتری دارد . ولی محققانی که از رویکرد تفسیری یا اثباتی پیروی می کنند نیز از این روش استفاده می کنند . و هر چند تحقیق میدانی در مرکز توجه جامعه شناسی تفسیری قرار دارد محققین انتقادی نیز از آن استفاده فراوان می کنند .

مشخصه این سه رویکرد در چگونگی نگرششان به داده ها می باشد . محقق کمی بر این تصور است که می تواند همه مفاهیم جامعه شناسی را به متغیرها تبدیل کند . همچنین می توان با ساختن مقیاس های کمی دقیق و عینی خصوصیات مهم جهان اجتماعی را به ادراک

در آورد که به سختی می توان با مقیاس های کمی توصیف کرد. (مانند تصاویر ذهنی کنشگران ، حال و هوا و جو اجتماعی.

در اینجا می بینیم که چگونه این سه رویکرد با توجه به اختلاف میان دیدگاههای فن گرایانه و دیدگاههای فرا افکن *Transcendental* به تحقیق با آن ارتباط می یابند .

اثبات گرایی با دیدگاه فن سالاری همخوانی بیشتری دارد و محققان کمی اغلب ناآگاهانه از این زاویه به جهان می نگرند . در این دیدگاه محقق تنها یک متخصص فنی است . پرسش تحقیق را اغلب خود بنیان (سفارش دهندگان) تحقیق طرح می کنند (یعنی کسانی که منابع مالی در اختیار محقق قرار می دهند) . از این رو ، این زاویه دید ، دیدگاه آن کارگزارانی است که در خدمت نیازهای بوروکراتیک دستگاه های اجرایی فعالیت می کنند .

برعکس ، دیدگاه فرا افکن بیشتر از رویکردهای تفسیری و انتقادی نشات می گیرد . در این دیدگاه . سوالات تحقیق از موضع بیگانگان طرح نمی شوند بلکه از موضع خود افراد مورد مطالعه طرح می شوند . هدف این دیدگاه نقد باورهای کاذب افراد مورد مطالعه می باشد و به مردم همچون موجودات خلاق دارای احساس و نه چونان اشیایی بی اراده . می نگرد . این دیدگاه اغلب به طرح سوالاتی درباره قدرت یا نا برابری می پردازد و روابط اجتماعی را حاصل قوانین طبیعت نمی داند . بلکه به آن ها همچون نتایج ناخواسته کنش ها می نگرد . این دیدگاه هم چنین می کوشد تا به تعالی مردم کمک نموده ، تغییراتی در زندگی آنها بوجود آورد و به این ترتیب به

دگرگونی اجتماعی یعنی فرا افکن شرایط موجود اجتماعی توجه دارد .

منطق جاری (عملی)

طبق نظر کاپلان تحقیق تجربی از دو نوع منطق . منطق بازسازی شده و منطق عملی (جاری) پیروی می کند . در تمامی تحقیق ها ترکیبی از این دو منطق . اگر چه به تناسب های متفاوتی ، وجود دارد . بنابراین ، تحقیق کمی به " منطق بازسازی شده " نزدیکتر است و تحقیق کیفی بیشتر از منطق عملی پیروی می کند .

منطق بازسازی شده منطقی است که به چگونگی سازماندهی کامل تحقیق طبق روالی آرمانی شده . صورتی و نظام دار می پردازد . این نوع منطق به صورت قواعد منطقی هم خوان و اصطلاحات فنی بازسازی شده است . هم چنین الگوی شسته و رفته ای است که نشان می دهد چگونه باید به پیشبرد تحقیق پرداخت . این نوع منطق را در کتب درسی و گزارشات پژوهشی منتشر شده می یابیم . بطور مثال . قواعدی که برای نمونه گیری تصادفی ساده وضع شده اند . خیلی صریح هستند و از روالی قدم به قدم پیروی می کنند .

منطق عملی منطقی است که نشان می دهد تحقیق به واقع چگونه انجام می گیرد . این نوع منطق نسبتاً پیچیده (است) . دارای چند گانگی بیشتری است . به موارد خاص می پردازد و جهت حل عملی وظایف مشخصی می باشد . همچنین قواعد زیادی ندارد . منطق عملی بر اساس پیشنهاد ها و هنجارهای مشترک محققین با تجربه طرح

شده است . این منطق از حکمت مردمی و غیر رسمی گفتگوهای خودمانی محققان درباره تجربیات پژوهشی واقعی هنگام صرف یک فنجان چای یا غذا نشات می گیرد

تحقیق کمی معمولاً با زبان منطق بازسازی شده توصیف می شود . این امر استفاده و آموختن از تعاریف . کتب و دستورعملهای صورتی را آسان تر می کند . محققان کمی به توصیف اقدامات فنی انجام گرفته در تحقیق می پردازند (بطور مثال چگونگی نمونه گیری ۳۰۰ نمونه تصادفی ساده از یک کتاب راهنمای تلفن . یا چگونگی تهیه یک طیف لیکرت .

محقق کیفی بیشتر از منطق عملی استفاده می کند . این نوع تحقیق بیشتر بر حکمت غیر رسمی محققان با تجربه بنا گشته است . گزارشات تحقیقات کیفی به ندرت به بحث درباره روش می پردازند (معمولاً در تحقیقات تاریخی تطبیقی) . یا تنها به شرح سرگذشت تحقیق قناعت می کنند (معمولاً در تحقیقات میدانی) . روالها و اصطلاحات استانداردیزه شده به ندرت در این نوع تحقیقات یافت می شود . و انجام چنین امری نیز مورد توافق محققین نیست . بسیاری از محققان کیفی انجام تحقیق را از طریق خواندن گزارشات متعدد . آزمون و خطا و کار آموزی در تحقیقات جاری محققین با تجربه می آموزند . البته این به این معنا نیست که تحقیق کیفی ارزش کمتری دارد . بلکه تنها به این معناست که آموختن و تسلط یافتن بر این روش برای مبتدیان مشکل تر از آموختن روشهای کمی است .

ادراک درآوردن سایه روشن معناها . برای ترکیب اطلاعات گوناگون و درهم آمیختن دیدگاه ها بسیار موثر و کارآمد است . البته این امر توجیه برای انجام تحقیق غیر جدی و با کیفیت پائین نیست . این نوع تحقیق نیز اصول و دقت خود را دارد . از ابزار پذیرفته شده علوم انسانی مانند استعاره ، آنالوژی ،

موضوع ، طنز و کنایه استفاده و در جهت ساختن معنا حرکت می کند ، مسیر دورانی روش مناسبی برای وظایفی چون ترجمه معناها از فرهنگی به فرهنگ دیگر ، جایی که سایه روشن های ظریف معناها ، مضمون های موشکافانه یا تمایزهای زمینه ای اهمیت دارند ، مناسب است .

مشخصات تحقیقات کیفی :

در این بخش ، نظری به شش مشخصه سبک تحقیق کیفی شامل ، اهمیت زمینه ، روش مطالعات موردی ، صداقت محقق ، نظریه پایه ، فرآیند و تفسیر می اندازیم .

زمینه انتقادی :

محققان کیفی تاکید زیادی بر اهمیت زمینه اجتماعی برای درک جهان اجتماعی دارند . هم چنین بر این باورند که درک معنای یک کنش اجتماعی یا یک عبارت اساساً وابسته به شناخت زمینه اجتماعی است که در آن روی می دهند . هنگامی که محقق کنشی ، رویدادی ، پاسخ به سئوالی یا گفتگویی را از زمینه ظهور آن جدا می کند ، یا این زمینه را نادیده می گیرد ، معنا و اهمیت اجتماعی آنها را از بین می برد .

مسیر غیر خطی

همه محققان هنگام انجام تحقیق مسیر مشخصی را می پیمایند . این مسیر همچون استعاره توالی مراحل تحقیق است : به ما می گوید چه کاری را باید اول انجام داد و تحقیق در کدام مرحله قرار دارد . قدم بعدی کدام است و تحقیق به کجا می انجامد بطور کلی ، محققان کمی بیشتر از محققان کیفی از مسیر خطی استفاده می کنند . مسیر خطی تحقیق توالی ثابتی دارد . این مسیر به پلکانی می ماند که جهت مشخص و از قبل تعیین شده ای دارد . نوعی شیوه تفکر و نگریستن به مسائل است همان مسیر مستقیم تنگ سرراست و همواری است که بیشتر در فرهنگ اروپای غربی و امریکای شمالی متداول است . در تحقیقات کیفی بیشتر از مسیرهای غیر خطی و دورانی استفاده می شود . مسیر دورانی آنچنان هموار نیست . محقق بعضی مراحل را قدم به قدم طی می کند . گاهی به عقب بر می گردد یا به چپ و راست جاده قدم می گذارد . این مسیر حالت مارپیچی دارد و به آزادی به جلو حرکت می کند . در هر دور یا تکرار ، محقق داده های جدیدی جمع آوری کرده . بینش های جدیدی پیدا می کند . کسانی که به مسیرهای مستقیم و خطی عادت کرده اند ، طاقت طی مسیرهای دورانی غیر مستقیم را ندارند . از منظر دیدگاه کاملاً خطی مسیر دورانی آنچنان کارآمد نیست و جدی به حساب نمی آید . ولی این مسیر ظاهراً پراکنده یک هرج و مرج ساده سازمان نیافته و نامشخص نیست بلکه برای خلق احساس از کل یک پدیده . برای به

توجه به زمینه اجتماعی بدین معنی است که محقق آن چه را قبل یا همزمان با موضوع کانونی تحقیق روی می دهد، یادداشت می کند. این به دین معنی نیز می باشد که یک و همان رویداد در ادوار مختلف تاریخی و فرهنگی معنای مختلفی میتواند داشته باشد. برای مثال محقق کیفی به جای شمارش و مقایسه آرا انتخابات در جوامع و زمان های مختلف بدون توجه به زمینه های مختلف، سؤال می کند: انتخاب کردن در زمینه های مختلف اجتماعی چه معنایی دارد، انتخابات ریاست جمهوری در زمینه های متفاوت سیاسی را مثلاً در یک کشور با دموکراسی تشریفاتی و در یک کشور دموکراتیک واقعی می توان متفاوت تفسیر کرد (رک به بوکس). محقق کیفی هر بخش از زندگی را در رابطه با کل اجتماعی بزرگتر بررسی می کند چون معتقد است در غیر این صورت معنای همان بخش هم از دست می رود. برای مثال درک یک بازی بیس بال یا فوت بال بدون شناخت از این بازی ها در کلیت شان امکان ندارد. کل بازی و قواعد آن به تک تک حرکات بازیکنان معنی می بخشد، جدا از کل بازی هر یک عملی بی معنی می شوند.

اهمیت زمینه (Context) در ایجاد معنا:

"شرکت در انتخابات ملی" معانی متفاوتی در زمینه های مختلف می یابد. مثلاً:

۱. در یک حکومت دیکتاتوری تک حزبی که نامزدهای مخالف حضور ندارند و مردم طبق قانون مجبور به شرکت در انتخابات هستند و کسانی که در انتخابات شرکت نکنند بوسیله حکومت شناسایی شده، به

- عنوان نیروهای شورشگر بر ضد حکومت تحت تعقیب قرار می گیرند. "عدم شرکت در انتخابات" به معنی خطر کردن پیآمدهای منفی و امکان از دست دادن شغل است.
۲. در جریان برخوردهای قهرآمیز بین شورشیان و قدرت حاکم در یک کشور "شرکت در انتخابات" امری خطرناک است، زیرا احتمال اینکه شرکت کنندگان در انتخابات بعنوان نیروهای مخالف مورد سوء ظن قرار گیرند و هدف تیرانداز سربازهای طرفین شوند، وجود دارد. این چنین انتخاباتی معمولاً به انتقال قدرت از گروهی به گروه دیگر و به تغییر ساختار جامعه به صورت سرنوشت ساز می انجامد. معمولاً در چنین انتخاباتی افراد از ۱۶ سال به بالا حق شرکت در انتخابات را دارند.
 ۳. در جامعه ای که مردم بین یک دوجین احزاب سیاسی متعدد با قدرتی تقریباً برابر ولی با نمایندگی از ارزشها و سیاستهای خاص و متفاوت، انتخاب می کنند، "شرکت در انتخابات" معنای دیگری مییابد. هر حزبی تشکیلات قابل ملاحظه، روزنامه و باشگاه و گروههای سازمان دهنده در همسایگی خود را دارد. روز انتخابات جشن ملی به حساب می آید، در چنین انتخاباتی رای گیری فقط با ارائه کارت شناسایی و به صورت مخفی انجام می گیرد و تنها افراد بالای ۱۸ سال می توانند در انتخابات شرکت کنند.
 ۴. در جامعه ای که مردان سفید پوست بالای ۲۱ سال دارای مشاغل رسمی انتخابات را سازمان می دهند،

شناسایی می نمایند ، و نامزدهای انتخاباتی بودجه هنگفتی صرف تبلیغات می کنند. رای دهی تعهد اجتماعی ضعیفی به شمار می رود و مردم انتخابات را زیاد جدی نمی گیرند . انتخابات در روز غیر تعطیل انجام می شود . فردی که می خواهد در انتخابات شرکت کند ، باید مقررات زیادی را رعایت نموده و از هفته ها قبل ثبت نام کند . مهاجران تازه وارد و مجرمین (کسانی که دارای سوء پیشینه هستند) حق شرکت در انتخابات را ندارند .

ارزش مطالعه موردی

محقق کمی معمولاً خاص و محدودی درباره مورد های خیلی زیاد (تعداد وسیعی پاسخ گوینان و سازمان ها و گروه ها) جمع آوری می کند. در مقابل محقق کیفی بیشتر به رویکرد مطالعه موردی گرایش دارد. وی در باره یک یا چند مورد محدود اطلاعات متفاوت فراوانی جمع آوری نموده ، بیشتر به عمق می رود و جزئیات بیشتری درباره واحد تحت بررسی به دست می آورد . وی یک سری اطلاعات درباره چند مورد برگزیده اندک جمع آوری می کند.

در مطالعه موردی محقق دادهها را به گونه ای دیگر تحلیل می نماید. آنجا که در تحقیقی کمی محقق الگوهای ثابت بین تعداد کمی متغییر در رابطه با موردهای بیشمار بررسی می کند، در مطالعه موردی محقق در برابر کوهی داده قرار میگیرد ، در این داده ها غوطه ور می شود محقق با غوطه ور شدن در این داده ها با زندگی و فرهنگ مردم

خانواده ، دوستان و همسایگان ناظر بر رای دادن همدیگر هستند ، احزاب سیاسی تدابیر جداگانه ای را عرضه نمی کنند ، و بیشتر به گروه های قومی یا مذهبی پایبندند و این پایبندی بخشی از هویت فردی را تشکیل می دهد ، " شرکت در انتخابات " معنای دیگری دارد . در چنین جامعه ای گروه های قومی و مذهبی بسیار قوی و با نفوذند و بر انتخاب محل زندگی ، محل کار ، همسر و دیگر امور شخصی اثر می گذارند ، و انتخابات پس از هفته ها راه پیمائی های نمایشی و برنامه های محلی که از طرف گروه های قومی و دینی سازمان می یابند ، انجام می گیرد .

۵. در جامعه ای که حزب سیاسی خیلی قدرتمندی در راس حکومت قرار دارد و تنها یک یا دو مخالف ضعیف وجود دارد ، حزب حاکم قدرت را به مدت ۶۰ سال ، آمیخته با فساد و تباهی رشوه و تهدید تصاحب نموده است ، شرکت در انتخابات معنای دیگری دارد . در چنین انتخاباتی رهبران موسسات مذهبی ، آموزشی و شغلی ، رسانه های جمعی Mass Media از حزب حاکم پشتیبانی می کنند و چون اشتغال در مشاغل دولتی (از پلیس گرفته تا معلم و غیره) بر پایه عضویت در حزب حاکم است ، کلیه کسانی که در استخدام دولت هستند به باقی ماندن حزب حاکم در راس قدرت علاقه دارند .

۶. در جامعه ای که انتخابات بین دو حزب با اختلاف کم برگزار می شود ، مردم نامزدهای مورد نظر خود را عمدتاً از طریق برنامه های انتخاباتی تلویزیونی

شنود و به خاطر می سپارد یا ثبت و ضبط می کند و تنها از بخشی از یادداشت های خود در گزارش نهایی استفاده می کند. همان طور محقق تاریخی تطبیقی داده های خود را از منابع زیادی استخراج می کند. شواهد و مدارک درپاره گذشته کامل نیستند و محقق از مواد در دسترس تعدادی را جهت استناد انتخاب می کند. در تحقیقات کیفی امکان تکرار به آسانی وجود ندارد، محققین معمولاً به تنهایی کار می کنند.

صداقت محقق مسئله جدی است. کالینرمی گوید عدم اعتماد به محققین یکی از دلایل مهم افزایش اعتماد به روش های کمی، تکرار و آمار در تحقیقات اجتماعی است. "ما ملاک ها و معیارهای آماری را مستحکم و قابل اطمینان می دانیم نه به خاطر این که آنها صحت یک تئوری را به طور منطقی و قطعی اثبات می نمایند، بلکه به خاطر این که جامعه روشنفکری ما از بی اعتمادی اجتماعی نسبت به صداقت پژوهشگران رنج میبرد."

هر تحقیقی مستلزم وجود میزانی از اعتماد و اطمینان به محقق است. امکان سوءاستفاده برای یک محقق غیر صادق در هر نوع تحقیقی و مراحل آن وجود دارد. معذک درجه اعتماد و نوع بازبینی در تحقیقات کمی و کیفی کار محققین متفاوت است. خوانندگان یک تحقیق کیفی معمولاً اعتماد بیشتری به صداقت و تفسیرهای محقق دارند. یک محقق کمی برای جلب اعتماد به توصیف صریح تکنیک های و آمار استاندارد به کار برده شده دست می زند. بازبینی Checks محققان کیفی مراقبتند که تحقیق آنها

آشنائی عمیق و نزدیکی می یابد. وی در جستجو الگوهای موجود در زندگی ها، کنش ها و جهان های زندگی در بافت تمامیت یک مورد به منزله یک کل می باشد.

برای مثال محقق کمی نمونه ای شامل هزار زوج متاهل را در یک تحقق پیمایشی انتخاب کرده و درباره زندگی آنان به بررسی و مطالعه می پردازد. او کشف می کند که زنان شاغل ۷۰٪ کارهای روزمره خانه مانند شستن ظرف ها را انجام می دهد در حالی که این نسبت در مورد زنان خانه دار ۹۰٪ است. محقق کیفی یک تحقیق موردی انجام می دهند. وی شش ماه به مشاهده همه خرده کاریها و فعالیت های روزمره تنها ده زوج و درگیری در مورد انجام خرده کاری های خانگی بیشتری است. چون مردها در انجام کارهای کوچک کمک می کنند ولی حاضر نیستند مسئولیت وظائفی را بپذیرند که طبق سنت فرهنگشان زنانه به حساب می آیند.

صداقت محقق

مسئله اعتماد محققان اثبات گرا پیروی تحقیقات کمی این سوال را مطرح می کنند که نتایج تحقیق کیفی تا چه حد می تواند عینی و فارغ از کژی باشد. در تحقیقات کیفی فرصت های زیادی برای تاثیر گذاری محقق بر فرایند تحقیق وجود دارد. محقق میدانی یک مدت طولانی در میدان به سر می برد و به مشاهده یک گروه اجتماعی می پردازد. وی افراد مورد بررسی را از نزدیک می شناسد حضور وی می تواند بر آن چه اتفاق می افتد تاثیر بگذارد و وی تنها بخشی از آن چه اتفاق می افتد را می بیند، می

دقیقا منعکس کننده اسناد و مدارک باشد و برای این منظور شگردهایی وجود دارد. بعنوان مثال، محقق میدانی از دانش آموزی می شنود که می گوید: "پروفسور اسمیت پاک کن را به طرف پروفسور جونز پرتاب کرد." او این ادعا را به دقت بررسی میکند. برای کنترل صحت یک ادعا به حرف های دیگر مردم گوش می دهد، شواهد و مدارک تکمیلی می جوید سازگاری درونی آنها را بررسی می کند. محقق این سؤال را مطرح می کند که: آیا دانش جو از حادثه خبر دست اول و صحیح دارد یا اینکه مثلا آیا دانشجو از روی غرض شخصی تحت تاثیر احساسات و منافع شخصی این حرف را زده است. (شاگرد ممکن است پروفسور را به دلایلی دوست نداشته باشد) اگر اظهار نظر ساختگی و غلط باشد همان اظهار نظر مدرکی درباره دیدگاه گوینده خواهد بود. محقق با آزمودن مدارک تاریخی و استفاده از تکنیک ها، درستی و اعتبار منابع مورد استفاده مشخص می نماید

حجم زیاد و دقت یادداشت هایی که محقق کیفی ثبت و بایگانی می کند خود نوعی ابزار بازبینی است. محققین صدها و هزاران صفحه یادداشت بر می دارند، ولی معمولاً تنها بخشی از آن را برای تحلیل خود انتخاب می کنند. یادداشت ها غیر از توصیف مفصل و نکته به نکته مدارک، حاوی زیر نویس ها، تفسیرهای محقق و اصطلاحات کلیدی برای سازماندهی یادداشتها می شود، همچنین نقل قول ها، نقشه ها، نمودارها و مطالب دیگر در آن ثبت شده اند.

راه های دیگری برای بازبینی عرضی Cross check

تحقیق وجود دارد. اگر چه محققین کیفی معمولاً به تنهایی کار می کنند، دیگرانی هم وجود دارند که درباره آن مدارک اطلاعاتی دارند، به عنوان مثال: محقق میدانی مردمی را مطالعه می کند که زنده هستند و در مکان خاصی زندگی می کنند. افراد جامعه مورد بررسی می توانند مطالب و گزارش تحقیقی را مطالعه نمایند و در درباره ی صحت نظر بدهند. (یادداشت مترجم: جدیداً این روش در تحقیقات کیفی خیلی متداول شده، محقق گزارش خود را به افراد مورد بررسی نشان میدهد). اسناد و شواهد تاریخی مکتوب را محققان دیگر می توانند بازبینی کنند.

مهمترین راهی که محقق کیفی از طریق آن در خوانندگان اعتماد ایجاد می کند، این است که مدارک و شواهد را مستقیماً ارائه کند. محقق کیفی همه یادداشت های خود را به صورت جزء به جزء در گزارش نهایی تحقیق نمی آورد، بلکه با ارایه جزییات جالب و گویا در یک مجموعه شفاف به گونه ای عمل می کند که مخاطبین خود را در محیط تحقیق احساس نمایند. ارایه اخبار و اطلاعات دست اول محقق کیفی از حوادث، مردم و موقعیت ها دو جنبه دارد، از سوئی در کی بی واسطه، ارتباط مستقیم و شناخت درونی ارائه می دهد و از سوئی سؤال درباره کژی های ممکن را بر می انگیزد.

انواع متفاوت کژی ها (Bias) بحث پیرامون صداقت محقق مستلزم طرح متقابل پرسشهایی درباره نقش و تاثیر خود محقق بر داده های تحقیق است. بتا بر نظر رویکرد اثباتی تاثیر گذاری محقق نوعی کژی است که داده

نظریه پایه **Grounded theory**

یک محقق کمی پس از نظریه پردازی، توسعه دادن فرضیات و خلق مقیاس‌های اندازه‌گیری متغیرها، به جمع‌آوری اطلاعات می‌پردازد. در مقابل یک پژوهشگر کیفی با یک سؤال تحقیقی ساده کار خود را آغاز می‌کند. نظریه در طول فرایند جمع‌آوری اطلاعات تکوین و توسعه می‌یابد. این روش استقرائی تر بدین معنی است که تئوری از اطلاعات زاده می‌شود یا به اصطلاح دیگر نظریه در اطلاعات همچون در خاک ریشه دارد. علاوه بر این مفهوم سازی و عملیاتی کردن به طور همزمان با جمع‌آوری اطلاعات و تجزیه و تحلیل مقدماتی اطلاعات اتفاق می‌افتد. بسیاری از محققان در این رابطه از "نظریه پایه" استفاده می‌کنند. این روش تحقیق کیفی را انطباق پذیر ساخته است و به اطلاعات و تئوری امکان تعامل می‌دهد (بوکس ۳) محققان کیفی برای حوادث غیرمنتظره سعه صدر دارند، هر آن آماده اند تا جهت یا کانون پروژه تحقیقاتی را تغییر دهند، و یا احتمالاً از سؤال اولیه تحقیق خود در وسط کار دست بکشند.

محقق کیفی تئوری خود را از طریق مقایسه می‌سازد. برای مثال: وقتی پژوهشگری رویدادی را مشاهده می‌کند (یک افسر پلیس با یک راننده با سرعت غیرمجاز مواجه می‌شود) فوراً سئوالاتی را در ذهن خود می‌کند و به جستجوی شباهت و اختلاف‌ها (افتراق‌ها) می‌پردازد. هر اقدامی از سوی پلیس یا هر شخص مورد بررسی انجام گیرد، محقق این سؤال را طرح می‌کند آیا پلیس همیشه طبق یک روال عمل می‌کند، مثلاً از راننده

های عینی را می‌کند و باید حذف شود.

محققان کیفی معتقدند که حذف کامل تاثیر گذاری محقق امری غیر ممکن است. اگر چه ممکن است این طور به نظر برسد که تکیه بر تکنیک‌های مکانیکی و استانداردهای ثابت به حذف عامل انسانی می‌انجامد، ولی خود این اعتماد نوعی کج‌اندیشی و سمت‌گیری است: به اصطلاح همان "کزی تکنیک‌های مکانیکی". اسمیت (۱۹۸۸:۵) هشدار می‌دهد: "بدون اطلاعات دست اول از موضوع تحقیق در مطالعات کمی محقق نمی‌تواند چارچوب نظری مناسبی بسازد."

به رسمیت شناختن عامل انسانی به دین معنی نیست که محقق کیفی نقطه نظرات و عقاید شخصی خود را بطور دل‌خواه دخالت می‌دهد یا این که مدارک خاصی را در پشتیبانی از تمایلات و تنفرات بی‌جهت و شخصی خود انتخاب می‌نماید، بلکه به دین معنی است که محقق همیشه صریح و رک تاثیر و حضور شخصی خود را در نظر می‌گیرد. محقق کیفی با استفاده از درک و بصیرت شخصی به عنوان یک انسان به مطالعه زندگی اجتماعی جامعه مورد بررسی می‌پردازد ولی به ارزش‌ها و تصورات خود آگاهی دارد. وی همیارانه تاثیر احتمالی تصورات باورهای قبلی خود را در امر تحقیق به حساب می‌آورد و سعی در خنثی کردن آن دارد. وی سعی نمی‌کند خود را "پشت تکنیک‌های به اصطلاح عینی" پنهان کند بلکه در گزارش تحقیق، ارزش‌های خود را صراحتاً بیان می‌کند. محقق کیفی شیوه‌های جمع‌آوری اطلاعات و نگرش خود به شواهد را به اطلاع مخاطبین می‌رساند.

مقایسه عرضی Across موقعیت های اجتماعی می باشد
 محققان کیفی از روش های گزینه ای دیگر به جای
 نظریه پایه نیز سود می جویند. عده ای از محققان کیفی
 نوعی تجسم عمقی سازگار با نگرش فرد اطلاع دهنده را
 پیشنهاد می دهند. این محققین برای شرح و وصف
 فرایندهای خرد نگهدارنده تعامل های اجتماعی استوار به
 کاوش در یک موقعیت منفرد اجتماعی می پردازند.

هدف عده ای دیگر از محققان به تجسم درآوردن دقیق
 رویدادها یا موقعیت ها است. آنان جهت دست یافتن به
 شناخت عمیق از پویایی های وسیعتر در جامعه به تحلیل
 رویدادهای خاصی می پردازند.

محققانی نیز برای تحلیل موقعیتهای خاص در درون یک
 زمینه تاریخی کلان از نظریه های موجود سود می جویند
 آنان می کوشند جهت توسعه و بازسازی نظریه ها و
 ارتقاء عمل اجتماعی، وجود رابطه مابین خود حوادث در
 سطح خرد را از یک سوی، و بین موقعیتهای در سطح خرد
 و تئوریهای وسیعتر اجتماعی را از سوی دیگر نمایان کنند

فرایند و توالی

گذشت زمان بعد تفکیک ناپذیر تحقیق کیفی به توالی
 حوادث نظر دارند و به این امر توجه می کنند که چه
 چیزی اول اتفاق افتاده است و چه چیزی بعد و چه چیزی
 پیامد آن است و الی آخر. دلیل آن اینست که محققین
 کیفیت گرا یک مورد یا مجموعه ای از موارد را در یک

خلافکاری خواهد از ماشین پیاده شود آیا بین روال طبق
 مقررات است که همه پلیسها انجام میدهند یا نوعی سبک
 شخصی است. به مفهوم دیگر هیچ عملی را بدیهی نمی
 گیرد. وقتی جمع آوری داده ها و تئوری سازی در طول
 زمان همچون یک ریسمان به هم تنبیده است، سئوالات
 تئوریک مشاهدات آینده را القاء می کند، این چنین در
 جستجوی پاسخ به سئوالات تئوریک ناشی از تفکر
 درباره داده های به دست آمده، داده های جدید کشف می
 شوند.

نظریه پایه Grounded Theory

نظریه پایه رویکردی مرسوم در تحقیقات کیفی است.
 ولی تنها رویکرد مرسوم نیست و توسط همه محققین
 کیفی گرا مورد استفاده قرار نمی گیرد. نظریه پایه یک
 روش تحقیق کیفی است که به منظور تکوین یک تئوری از
 طریق استنتاج استقرائی درباره یک پدیده، از مجموعه ای
 سازمان یافته از روشها سود می جوید.
 (اشتراوس و کوربین ۱۹۹۰ ص ۲۴). هدف تئوری پایه
 ساختن نظریه در رابطه نزدیک با شواهد عینی و کشف
 نظریه جدید از این طریق است. در این روش محقق پدیده
 های غیر مشابه را با هدف یافتن تشابه مقایسه می کنند.
 وی به حوادث در سطح خرد به منزله پایه تبیین در سطح
 کلان می نگرد. نظریه پایه اهداف مشترک متعددی با
 نظریه های متمایل به اثباتگرایی دارد. این روش نیز در
 جستجوی نظریه ای است که قابل سنجش با شواهد
 تجربی و همچنین دقیق و سخت گیرانه، قابل تکرار و قابل
 تعمیم باشد. رویکرد نظریه پایه در پی تعمیم از طریق

دوره زمانی نسبتاً طولانی زیر نظر می گیرند. آنها می توانند چگونگی تکامل یک موضوع، پیدایش یک کشمکش یا توسعه یک رابطه اجتماعی را در طول زمان دقیقاً به مشاهده در آورند و این چنین فراینده و روابط علی جدیدی کشف کنند.

بعد با گذشت زمان در تحقیقات تاریخی می تواند یک دروان طولانی یعنی چندین سال یا دهه را در بر گیرد. در تحقیق میدانی بعد زمان به نسبت کوتاه تر است و با وجود این در هر دو نوع تحقیق، محقق در عین یادداشت همه آن چه که در یک مقطع زمانی رخ می دهد، سؤال می کند: "کی" (در چه زمانی) چیزی معمولاً رخ می دهد.

تفسیر Interpretation

کلمه تفسیر به معنی تعیین معنی S ignificance یا ارتباط معنی ها Coherent Meaning است. گزارش تحقیق کمی، معمولاً شامل تعداد زیادی جداول و نمودارهای کمی است. تحقیق کمی با اعداد و ارقام بیان می شود (فراوانی، در صدها، ضریب های آماری)، و محقق به اعداد و ارقام معنا می دهد و چگونگی ارتباط آنها با فرضیات را بیان می کند.

در تحقیقات کیفی شیوه تفسیر متفاوت است. گزارش تحقیق کیفی به ندرت دارای جداول و اعداد و ارقام است. تنها مطالب بصری آن نقشه، عکس و نمودارهای نشان دهنده ارتباط بین مفاهیم است. محقق داده ها را به مباحث مفهومی آنها سوق می دهد. داده ها در قالب کلمات همچون نقل کردنها و توصیف رویداد های مشخص است. اطلاعات

کمی نوعی توضیح تکمیلی شواهد زبانی متن است. یک محقق کیفیت گرا اطلاعات را با معنی دادن به آنها، ترجمه کردن یا قابل فهم کردن آنها تفسیر می کند. در هر صورت معنایی که محقق ارایه می دهد، با ارایه نقطه نظرهای مردم مورد مطالعه شروع می شود. وی از طریق کشف شیوه نگرش مردم به زندگی، شیوه تفسیرشان از موقعیت ها و شیوه معنا بخشیدنشان به پدیده های مختلف داده ها را تفسیر می کند، گرتیز به درستی مطرح می کند که "اینکه این مردم چگونه فکر می کنند، لعنت بر شیطان، مگر چیز دیگری می خواهیم بدانیم" (228 : 1972)

در تحقیقات کیفی - چه در تحقیقات تاریخی که با متون مکتوب سر و کار دارد و چه در تحقیقات میدانی که با سخنان شفاهی یا رفتار مردم تحت مطالعه سرو کار دارد - اولین قدمی که محقق بر می دارد، درک معنایی است که مردم به جهان می دهند. مردمی که خالق رفتار و کنش اجتماعی اند، دلایل یا انگیزه های شخصی برای عمل خود دارند. این را تفسیر یا سازه اولیه می نامند. تفسیر و بازسازی محقق از این تفاسیر اولیه را تفسیر یا سازه ثانوی می نامند. با تفسیر ثانوی، محقق یک ارتباط اساسی یا معنای ادراکی از داده ها بیرون می کشد. از آنجا که این معناها از درون مجموعه ای معنایی و نه در درون خلاء تکوین می شوند، تفسیر ثانوی کنش های مطالعه شده را در درون بستر بزرگتر رفتار انسانی در کل یا درون رویداد زمینه ای آن قرار می دهد.

یک محقق که رهیافت تفسیری خالصی را اختیار کرده

ترکیب برای دست یافتن بهتر به حقیقت عینی در هنگام آزمون فرضیات و کاهش اثرات روش‌ها استفاده می‌کند. محققان کیفی نیز به دلایل دیگری و برای اهداف دیگری مثلاً جهت افزایش دقت دانشمندان داده‌ها و تحلیل‌ها خود استفاده می‌کنند، اولاً چون ترکیب به روش آنها عمومیت می‌بخشد و آن را قابل آزمون می‌کند. ثانیاً چون این امر غنا و پرتو محیط‌های اجتماعی را بهتر نمایان می‌کند. هر چند محققان کیفی معتقدند که واقعیت چهره‌های مختلفی دارد و می‌توان از زاویه‌های مختلفی به آن نگریست اما در عین حال معتقدند که روش‌های مختلف دیدگاه‌های متفاوت را آشکار می‌سازند. و سرانجام، داده‌های جمع‌آوری شده با روش‌های مختلف، از سوی پژوهشگران متفاوت، در زمانهای متفاوت تصویر ثابت و یکسانی از همان رویداد مشخص‌ارایه نمی‌دهند، از دید محققان کمی این گونه اختلافات خطا یا کژئی می‌باشند که باید حذف شوند. محققان کیفی این گونه اختلافات را از پیش به تصور در می‌آورند و با آنها به عنوان منبع ارزشمند اطلاعات درباره زندگی اجتماعی برخورد می‌کنند و خود این امر را جنبه‌ای از حیات اجتماعی می‌دانند که باید تجزیه و تحلیل شود. بنا بر گفته لور: "تفاوت در نتایج ناشی از تفاوت در روش است. این تفاوتها را نباید چون منبع ناخواسته خطا و کژئی دید بلکه باید به آنها چون منبع اضافی از داده‌ها نگریست." لورخود "در پژوهشی راجع به بازی کودکان با استفاده از روش‌های متفاوت کشف می‌کند که بیش از آنچه چیزی که تحقیقات با روش‌های متداول نشان داده‌اند و کودکان در بازی‌های

است، ممکن است تحقیق خود را با تفسیری ثانوی پایان دهد- یعنی در زمانی که احساس کند که مفهوم عمل مردم تحت مطالعه را درک می‌کند. خیلی از محققین کیفی یک قدم دیگر برداشته، به تعمیم دادن یا مربوط ساختن تفسیر ثانوی به تئوری عام می‌پردازند. آنها به یک سطح وسیع تری از تفسیر یعنی به سطح ثالث در جهت تکوین معنای نظری عام حرکت می‌کنند.

شواهد تکمیلی

اغلب محققان اجتماعی یکی از دو سبک تحقیق را برمی‌گزینند و در خیلی از مسائل اختلاف نظر دارند. ولی اگر این اختلاف را خیلی عمیق ببینیم، اشتباه کرده‌ایم. خیلی از محققین به جای در برابر هم قرار دادن این دو نوع سبک سعی می‌کنند که تحقیقات کمی و کیفی را با یکدیگر ترکیب کنند منطبق تحقیقات کیفی، استفاده از ارقام، آمار و سنجش دقیق کمی را منع نمی‌کند. همچنین داده‌های کمی می‌توانند منبعی از اطلاعات متمم و مکمل داده‌های کیفی باشند. اسپراک و زیرمن اظهار می‌دارند: "روش‌های کمی را نباید به خاطر روشهای کیفی نفی کرد. طرح یک تضاد این یا آن یک انتخاب اشتباه است به ویژه از دیدگاه فمینیسم و جامعه‌شناسی دانش هر روشی نوعی ایجاد سازه است و حقانیت خود را و هم چنین کژئی‌های خود را دارد."

در فصل هفت با مفهوم ترکیب Triangulation تکنیک‌های مختلف روش‌شناسی برای برطرف کردن نقاط ضعف تکنیک‌های ویژه‌آشنائی یافتید. محقق از

خود تصورات کلیشه ای از نقش های جنسیتی بزرگسالان
اجراء می کنند.

داده های کیفی به محققان کمی اطلاعات ارزشمندی
درباره فرآیندهای اجتماعی در محیط های ویژه می دهند.
داده های کیفی به محققان انتقادی این امکان را میدهند که
پیش داوریهای موجود در تحقیقات کمی را افشاء کنند. بنا
بر گفته مارشال (۱۹۸۵) تحقیقات کیفی کمتر از تحقیقات
کمی در خطرند که به دام انگاره حاکم و مرسوم دیوان
سالاری آموزش و پرورش گرفتار شوند. در انگاره رایج
مسائل آموزشی به منزله مشکلات مدیریتی تعریف می
شوند که در نتیجه جهل، فقدان انگیزه در دانش آموزان یا
در والدینشان، کمبود منابع کافی و یا فقدان وجدان کاری
متخصصین یا کارمندان به وجود می آیند. روشهای کمی
فنی و خنثی به درد گردآوری آن نوع داده‌هایی می خورد
که برای حل مشکلاتی مورد نیاز است که از سوی انگاره
رایج تعریف شده اند. در مقابل یک محقق کیفی سنوآل
های سیاسی و نظری انتقادی طرح می کند (مثلا چه
کسانی از این امر سود می برند؟) روی مسئله را در زمینه
تاریخی - اجتماعی بزرگتر قرار می دهد، به مشاهده
فرایندهای روزمره از فاصله نزدیک می پردازد و سعی در
فهم بینش کسانی دارد که درگیر در امور آموزشی هستند
و حتی کسانی که با دیدگاه اجرائی مخالفت می ورزند.

تحقیقی کیفی مثلا یک تحقیق میدانی را می توان با
تحقیقی کمی مثلا تحقیق پیمایشی ترکیب کرد. یک چنین
ترکیبی به محقق انتقادی کمک می کند که در زندگی عملی
درگیر شود. محققین انتقادی بر این اعتقادند که یک تحقیق

پیمایش از نظر فنی معتبر و بی کژی هزینه زیادی
می برد و تنها صاحبان ثروت و قدرت می توانند چنین
بودجه ای را در اختیار محقق قرار بدهند. بنا بر نظر آنان
در چنین تحقیقی مصاحبه کننده پرسشهایی را که از
موضع افراد دیگری طرح شده اند می پرسد و
پاسخگو باید در انزوا پاسخهای کاملا شخصی بدهد. از
این رو نتایج تحقیقات کمی در خدمت نخبگان است تا
بتوانند "مردم" را درک کنند. چنین تحقیقاتی به ندرت
در جهت درک پاسخگویان از موقعیت خود و ارتقاء آگاهی
یا جلب توجه به مسائل حاد عمل می کنند. یعنی همان
اهداف رویکرد انتقادی، در هماهنگی با چنین هدف هائی،
محقق انتقادی جهت خلق تجربه یادگیری متقابل و کمک به
پاسخگویان برای تامل درباره موقعیت خود به ترکیب
مثلا تحقیق پیمایشی و تحقیق میدانی دست می زند

نظری کوتاه به مطالعات نخبگان (خواص)

اکثر مطالعات کمی انجام شده (چه آزمایشگاهی چه
پیمایشی) "فرد" عام را واحد تحقیق قرار می دهند و بیشتر
تحقیقات میدانی در انسان شناسی، جامعه شناسی، علوم
آموزشی افراد متوسط جامعه یا کسانی که فقیرند و
قدرتی ندارند را در کانون مطالعات خود قرار می دهند.
ولی دانشمندان علوم اجتماعی به این امر آگاه اند که
شناخت کاملتر جامعه مستلزم شناخت نخبگان صاحب
قدرت در جامعه نیز می باشد. با وجود این "تعداد قلیلی
از محققین به مطالعه نخبگان می پردازند، چون رخنه در
جهان آنان بنا بر طبیعتش مشکل است و نخبگان به دور
خود دیوارهای نفوذ ناپذیری ایجاد می کنند که

آنان را از بقیه افراد جامعه مجزا می کند" (Herz and Imber 1993,3). تعداد کمی از دانشمندان به چنین مطالعاتی دست زده اند و برای این نوع مطالعات تکنیک های ویژه ای نیز تکوین کرده اند. این تکنیک ها مسائل قابل توجه و عامی تری را نیز روشن می کنند و نشان می دهند که یک طرح تحقیق کیفی چه قابلیت هائی و چه وجه تمایزی نسبت به تحقیق کمی دارد هر چند که مکمل آن می باشد.

نخبگان - صاحبان قدرت در سمت های رسمی و غیر رسمی را نمی توان از طریق نمونه گیری تصادفی مطالعه کرد زیرا تعداد آنها کم است و آنها علاقه ای به همکاری در چنین تحقیقاتی ندارند. از این رو تحقیقات کیفی انجام شده درباره نخبگان بیشتر شامل تحلیل محتوای سخنرانی های آنان (Sieder 1974) بررسی پس زمینه اجتماعی پیشرفت شغلی و اجتماعی آن ها (Freitag 1983) مطالعاتی درباره شبکه های تصمیم گیری (Knoke 1993) و مطالعات پانلی داده های پیمایشی موجود (Murray 1992) می شود. این اطلاعات در ترکیب با داده های راجع به درجه نابرابری اجتماعی و اقتصادی در جامعه تصویری از بعضی جوانب زندگی آنها ارایه می دهند. تحقیقات کیفی دیگری ما را از چگونگی جامعه پذیری آنان در باشگاه های خصوصی مطلع و یا ما را با محتوای گپ ها و گفتگوهای خصوصی آنان آشنا می کنند. طبقات خیلی ثروتمند بالا - یا جماعت نخبگان - در واقع نوعی خرده فرهنگ متمایز خود را دارند. تعداد اندکی طالب شهرت اند اما اکثرشان یک زندگی

خصوصی در گمنامی به دور از هیاهوی تبلیغاتی را ترجیح می دهند، چنانچه برای محقق غیر بومی شناسائی آنان و بررسی زندگی آنان آسان نیست.

مصاحبه با نخبگان با مصاحبه با افراد عادی تفاوت هائی دارد. اولاً دسترسی به نخبگان دشوار است، دروازه بانان قلمرو آنان پر هیبت و خوف برانگیزند. جهت ملاقات با آنان باید از هفت خان رستم عبور کرد و با تعداد زیادی نگهبان، منشی و افراد دیگری که تنها وظیفه اشان دور نگهداشتن متجاوزین از این قلمرو است، وارد مذاکره شد. یکی از محققین تنها پس از دو سال دوندگی و صدها تماس تلفنی و پارتی بازی توانسته بود، یک وقت مصاحبه با یک شخصیت اجرائی به دست آورد. (83 و Thomas 1993) وقت نخبگان خیلی گرانبهاست، همیشه یا خیلی گرفتارند یا چنین تظاهر می کنند. محقق باید نشست ها و جلسات مصاحبه را از قبل خیلی دقیق برنامه ریزی کند. این محققین از فرصت های غیر رسمی (مانند صرف غذا، انتظار در فرودگاه ها، و مسافرت) برای افزایش امکان مصاحبه بهره می جویند. استفاده از این فرصت ها از این نوع تکنیک ها نیاز به برنامه ریزی دارد و محقق باید هر آن آمادگی داشته باشد تا برنامه خود را با برنامه آنان هماهنگ کند. البته ایجاد چنین ارتباطاتی در تحقیقات کیفی بیشتر از تحقیقات کمی مطرح است.

ثانیاً داشتن ارتباطات و روابط اجتماعی برای دسترسی به نخبگان و ایجاد جو اطمینان اهمیت اساسی دارد. پس زمینه طبقاتی و اصل نسب محقق یک منبع مهم

آنان را از بقیه افراد جامعه مجزا می کند" (Herz and Imber 1993,3). تعداد کمی از دانشمندان به چنین مطالعاتی دست زده اند و برای این نوع مطالعات تکنیک های ویژه ای نیز تکوین کرده اند. این تکنیک ها مسائل قابل توجه و عامی تری را نیز روشن می کنند و نشان می دهند که یک طرح تحقیق کیفی چه قابلیت هائی و چه وجه تمایزی نسبت به تحقیق کمی دارد هر چند که مکمل آن می باشد.

نخبگان - صاحبان قدرت در سمت های رسمی و غیر رسمی را نمی توان از طریق نمونه گیری تصادفی مطالعه کرد زیرا تعداد آنها کم است و آنها علاقه ای به همکاری در چنین تحقیقاتی ندارند. از این رو تحقیقات کیفی انجام شده درباره نخبگان بیشتر شامل تحلیل محتوای سخنرانی های آنان (Sieder 1974) بررسی پس زمینه اجتماعی پیشرفت شغلی و اجتماعی آن ها (Freitag 1983) مطالعاتی درباره شبکه های تصمیم گیری (Knoke 1993) و مطالعات پانلی داده های پیمایشی موجود (Murray 1992) می شود. این اطلاعات در ترکیب با داده های راجع به درجه نابرابری اجتماعی و اقتصادی در جامعه تصویری از بعضی جوانب زندگی آنها ارایه می دهند. تحقیقات کیفی دیگری ما را از چگونگی جامعه پذیری آنان در باشگاه های خصوصی مطلع و یا ما را با محتوای گپ ها و گفتگوهای خصوصی آنان آشنا می کنند. طبقات خیلی ثروتمند بالا - یا جماعت نخبگان - در واقع نوعی خرده فرهنگ متمایز خود را دارند. تعداد اندکی طالب شهرت اند اما اکثرشان یک زندگی

اعتماد به حساب می آید. اگر محقق خود در خانواده عیان و ثروتمند بزرگ نشده باشد و اسم و رسمی نداشته باشد باید برای خود معرف یا پارتی ای گردن کلفت دست و پا کند و بتواند آداب دانی خود را به نمایش بگذارد. نخبگان معرفین، دوستان و آشنایان شما را ملاک ارزیابی شما قرار می دهند. اگر محقق معرف معتبری یا امتیازات آنچنانی نداشته باشد، جدی گرفته نمی شود، حتی اگر در ایجاد تماس اولیه موفق بشود. استدر (۱۹۹۱) و هانتز (۱۹۹۲) یادآور می شوند که نخبگان علاقه زیادی دارند بدانند با چه کسانی محقق قبلاً مصاحبه کرده است. ایجاد ارتباط شخصی و خصوصی و جلب اعتماد در طول یک پژوهش بخشی حیاتی از خود خیلی از تحقیقات کیفی است. نخبگان اغلب تحصیلات عالی دارند و با سوادند. این امر مسائل متعددی را شامل می شود. از جمله این انتظار وجود دارد که طرح تحقیق مورد نظر بر مطالعات پیشین وسیع کتابخانه ای بنا شده باشد. همچنین باید به یاد داشت که این افراد شاید خود با تکنیکهای مختلف پژوهش آشنا باشند و گزارش های تحقیقاتی زیادی را مطالعه کنند. این امر می تواند همکاری را افزایش دهد ولی می تواند تاثیر منفی نیز بر روند تحقیق بگذارد. همچنین این امکان وجود دارد که آنان سعی کنند بر موقعیت تحقیق سلطه یابند و آن را به میل خود دستکاری کنند. آنان اغلب عادت کرده اند که مسئول امور باشند و دیگران از آنان پیروی کنند و ترفندهای ظریفی برای تاثیرگذاری بر رویدادها دارند و در به کنترل درآوردن موقعیت های اجتماعی نیز ماهرند. مثلاً محل نشستن مخاطب و یا جهت

گفتگو را خود تعیین می کنند. در حالی که محقق سعی می کند با احتیاط مصاحبه را به پیش ببرد تا مخالفت مصاحبه شونده را برنیزد، این امکان وجود دارد که فرد نخبه از فرصت استفاده کند و مصاحبه را از موضوع مورد توجه محقق دور کند. محقق باید این توانائی را داشته باشد که نگذارد مصاحبه از اهدافش دور شود. محقق باید مهارتهای اجتماعی و تدابیر خود را ارتقاء دهد تا بتواند بدون ایجاد استرس و اغتشاش مقاومت طرف را در طول تحقیق بشکند. این کاری شدنی است اما مستلزم ظرافت و زبردستی است. در یک پیمایش رسمی یا یک تحقیق آزمایشگاهی محقق تنها باید رفتاری با وقار و فاصله دار داشته باشد ولی در برخی از تحقیقات کیفی مهارتهای فوق خود جزوی از ابزار تحقیق می باشند.

در ارتباط با مطالعات نخبگان حساسیت نسبت به تفاوت رفتار در پشت صحنه و روی صحنه اهمیت زیادی دارد. روی صحنه همان ملاءعام (گستره عمومی) است همان موقعیت های اجتماعی که افراد خود را در انتظار عمومی حس می کنند و رفتاری رسمی و خاص به نمایش می گذارند، پشت صحنه همان خلوت خصوصی است، همان موقعیت های اجتماعی که افراد در آن احساس راحتی و امنیت می کنند و ماسک خود را برمی دارند. در رابطه با مطالعه نخبگان باید توجه داشت که رویدادهای روی صحنه اغلب عمدی اند و شدیداً برنامه ریزی شده اند تا تصویری خاص در ذهن دیگران تولید کنند. مثلاً پیش می آید که محقق به دفتر کار وسیعی با منظری زیبا و پر از تابلوهای اصیل نقاشی و مبلمان راحت دلچسب و یک

باشد. به محقق که عبارات را به جا به کار نبرد و رفتار نامرئومی داشته باشد معمولاً اعتماد نمی کنند. برای مثال خرده فرهنگ های نخبگان بر اساس تصور از تامین مادی و تشخیص بنا شده است. بسیاری از نخبگان این توانائی را دارند که با تظاهر به خونسردی، تشعشع اعتماد به نفس و نمایش بزرگ منشی فاصله اجتماعی بین خود و دیگران ایجاد کنند. بعضی از محققان مرعوب چنین رفتاری می شوند، برخی دیگر از عهده چنین موقعیتی با روش های ظریفانه و خودمانی و در عین حال محترمانه برمی آیند. محققان کیفی کاملاً بر این امر واقفند که هنگام جمع آوری داده ها باید اعتماد خلق کرد و فاصله اجتماعی ما بین اشخاص را کاهش داد.

آخرین مطلب مربوط می شود به حفظ اصالت و هویت فرایند تحقیق. در مجامع نخبگان درجه ای از رازداری و احترام به حریم خصوصی و حمایت جسمانی / فیزیکی معمول و متداول تلقی می شود. محقق باید در حفظ اسرار کوشا باشد. یک محقق باید نسبت به نگرانی ها و ترس نخبگان از به نمایش گذاردن خود در انظار عمومی حساس باشد. نخبگان معمولاً سوء ظن و شک دارند و می خواهند گزارش شما را قبل از انتشار بخوانند یا خواستار حذف داده هائی می شوند. علاوه بر این آنان معمولاً یا دانش لازم جهت کشف تخطی های هر چند ظریف از محدودیت های توافق شده را دارند یا می توانند متخصصینی را مامور بررسی گزارش تحقیق کنند. علاوه بر این اگر محقق از اصول توافق شده سرپیچی کند، نخبگان قادرند به مراجع قانونی قضائی (قانونی)

میز تحریر عظیم از بهترین چوب در وسط اطاق هدایت شود و فرد نخبه مورد نظر کار کشته در ایجاد رابطه با غریبه ها با چهره ای باز از او استقبال کند و همان برداشت رسمی و علنی از رویدادی را به وی ارایه دهد. معمولاً این روی صحنه با باشگاه های خصوصی حریم خلوت افراد و مباحث خودمانی نخبگان هیچ شباهتی ندارند، و امکان دارد که محقق نتواند فراتر از این نقش رسمی و آشکار برود. در موقعیت های پشت صحنه نخبگان معمولاً تعصب واقعی خود را بروز می دهند و همچنین عواطف، باورها و ارزش های شخص شان را آشکار می کنند. دسترسی به این پشت صحنه معمولاً خیلی مشکل است و مستلزم ایجاد و توسعه دراز مدت روابط با نخبگان است. در مطالعات کمی محققین به ندرت به این پشت صحنه نفوذ می کنند و به همان اطلاعات رسمی قناعت می کنند ولی در مطالعات کیفی از همان اول فرا رفتن از روابط ظاهری و علنی طراحی می شود. مجموعه دیگری از تفاوت ها در شیوه جلب اعتماد مصاحبه شونده و در شیوه مدیریت موقعیت مصاحبه با چنین فردی نهفته است. محقق باید به زبان اختصاصی و آداب معاشرت آنان تسلط داشته باشد. همه خرده فرهنگ ها شیوه های گفتاری و رفتاری خاص و مشترکی دارند. چنین آداب و رسوم غیر رسمی تصورات و درک از رویدادها و موقعیت های کلیدی را نیز در بر می گیرد. استفاده از عبارات خاص در جای خود و رعایت ظریفانه آداب و مناسک اجتماعی گروه نشان می دهد که محقق دارای همان دیدگاه و تصورات خرده فرهنگ نخبگان می

مراجعه کنند و مانع انتشار گزارش شوند. در عین حال هدف محقق جمع آوری اطلاعات کافی و جالب است و نمی خواهد در اجرای درست تحقیق خللی ایجاد شود و نتایج تحقیقش دستکاری شود و بدنبال آرایه گزارشی مقبول منابع برای مطالعه بیشتر:

پترورسلی (گردآورنده) : جامعه شناسی مدرن . ترجمه حسن پویان . انتشارات چاپخش . تهران

توماس اس کوهن : ساختار انقلابهای علمی * ص

۳۹

بارنی چ کلیرز / آنسلم ال اشتراوس : کشف

نظریه خاکی * ص ۴۹

پتر ال برگر / توماس لاکمن : ساختمان اجتماعی

واقعیت * ص ۵۵

آبراهام کاپلان : منطق تحقیق * ص ۱۰۱

دیوید والش : جامعه شناسی و جهان اجتماعی

ص ۱۱۵

مرتضی کتبی با همکاری میشل ویلت : بررسی روشهای

تحقیق غربی در برخورد با مسائل روانشناسی اجتماعی در

ایران * دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران جزوه فتوکپی

، سال تحصیلی ۱۳۷۲/۷۳

علیرضا کیامنش : روشهای ارزیابی کیفی * مجله علمی و

پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهرا سال دوم ، شماره ۵ و

۱۳۷۱ . ۶

- علیرضا کیامنش : پژوهش کیفی یا فرایند مستمر افزایش

دانش تخصصی * پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت دوره

جدید ، شماره ۱ و ۲ ، ۱۳۷۲

جامعه علمی است . در نتیجه محققان کیفی اغلب در یافته اند که باید بین حفظ اسرار سوژه های تحقیق و تضمین صداقت و راستگویی تحقیق نوعی تعادل ایجاد کنند .



مطالعات فرهنگی

المجله علمی و پژوهشی